

نگاه اقتصاددان

عبدالناصر همتی رئیس کل اسبق بانک مرکزی:

دولت از مردم عذرخواهی کند

به زیر ۱۰ برسانند، امروز با ۴۸ درصد نرخ تورم مواجه هستیم که عملکرد بسیار بدی است و به مفهوم شکست در مبارزه با تورم محسوب می‌شود. بنابراین این دولت نباید ژست کنترل تورم را به خود بگیرد، به نظر من باید از مردم عذرخواهی کند و بگوید نتوانستیم تورم را کنترل کنیم. تورم ۴۸ درصد به معنای کنترل نرخ نیست. ۴۸ درصد، تورم بسیار سنگینی است. در شرایط بسیار خاص این تورم ممکن است قابل پذیرش باشد. مانند آنچه در سال ۱۳۹۹ اتفاق افتاد و درآمدها به دلیل شیوع کرونا و حضور ترامپ افت شدید پیدا کرده بود و عملاً درآمد نفتی نداشتیم. مهمترین لنگر نرخ تورم، نرخ ارز است. دولت نه نرخ ارز را توانست کنترل کند و نه تورم را. امروز می‌بینید که با تزریق بی حد مردم و دلار سعی در تقویت ارزش ریال دارند. البته من این اقدام بانک مرکزی را نفی نمی‌کنم، به هر حال کنترل نرخ دلار کار خوبی است و باید هم انجام شود. ولی اینکه با ارزیابی این کاهش نرخ انجام شود مورد پذیرش نیست و این روش هیچ گاه جزو سیاست‌های من نبوده. تزریق ارز جواب اصلی، اساسی، پایهای، علمی و فنی نیست. راه آن مدیریت درست بازار ارز و شناسایی عوامل مؤثر بر افزایش نرخ ارز است. به هر حال این تورم چه ۵۲ درصد یا پایه ۹۵ یا کمتر از ۵۰ درصد یا پایه ۱۴۰۰ نشان دهنده عدم موفقیت دولت در کنترل تورم و عدم تحقق وعده‌های دولت در این حوزه است.

❖ **دلیل عدم اثرگذاری کاهش رشد نقدینگی بر تورم چیست؟**

کنترل رشد نقدینگی اقدام مثبتی است و به نظر من باید ادامه پیدا کند. البته من اطلاع دارم که ریشه کاهش رشد نقدینگی که اتفاق افتاده، کنترل ترانزنامه بانک‌هاست که حتماً آثار رکودی در اقتصاد و تولید خواهد داشت. در هر حال صرف نظر از علت کاهش رشد نقدینگی، این امر می‌تواند در مهار تورم مؤثر باشد. با این حال باید در نظر داشت که نقدینگی یک واسطه است. رئیس جمهور و باقی اعضای دولت نباید روی کاهش رشد نقدینگی مانور دهند. مردم که با نقدینگی کاری ندارند. برای مردم تورم و پولی که از جیبشان می‌رود مهم است. تورم باید کم شود.

❖ **چرا کنترل رشد نقدینگی و افزایش درآمدهای صادراتی نتوانست منجر به مهار تورم شود؟**

مدیریت فقط کنترل نقدینگی نیست. مدیریت و کارآمدی اهمیت دارد. کشور کسری بودجه سنگینی دارد. کسری بودجه و اضافه برداشت بانک‌ها به اقتصاد فشار می‌آورد. امروز نرخ بهره تامین مالی در بازار بالای ۴۰ درصد است. نرخ ۴۰ درصد به مفهوم آن است که تعادل سیستم پولی کشور از دست‌شان خارج شده است. شما نمی‌توانید بگویید رشد نقدینگی ۲۵ درصد و نرخ بانکی ۲۳ درصد است ولی در بازار نرخ بهره تامین مالی ۴۰ درصد باشد. این نشان می‌دهد یک جاهایی اشکال وجود دارد. این نشان می‌دهد یک ناهماهنگی در سیاست‌های پولی، ارزی و مالی کشور وجود دارد. تا این ناهماهنگی حل نشود نمی‌توان تورم را کنترل کرد. آقایان گمان می‌کنند با زدن دکمه کنترل نقدینگی، تورم خود به خود کاهش می‌یابد. رشد اقتصادی هم بسیار مهم است. رشد اقتصادی سال گذشته ناشی از تولید نبوده، عمده آن از محل فروش نفت و رشد بخش خدمات بعد از کرونا به دست آمده است. بخش غالب رشد بخش خدمات نیز به رشد عملیات واسطه‌های مالی برمی‌گردد. بنابراین این رشد به بخش تولید واقعی مربوط نمی‌شود. به نظر من، در حکمرانی مشکل داریم. تا مشکل حکمرانی حل نشود با تکیه بر یک عامل متغیر در سیاست‌های پولی نمی‌توان تورم را کنترل کرد.



سال بعد می‌تواند بر نرخ تورم مؤثر باشد. ❖ **شاید اشاره ابراهیم رئیسی که اخیراً گفته اقتصاددان‌ها متوجه کاری که دولت برای کنترل نقدینگی کرده می‌شوند همین موضوع است.** چیزی که مهم است اینکه نتیجه سیاست‌ها را باید در عمل ببینیم. واقعیت این است که بسیاری از آمارها منتشر نمی‌شود و آمارهای منتشر شده نیز از دقت کافی برخوردار نیستند. لذا نمی‌توان قضاوت درستی داشت. ولی می‌دانیم که تورم وجود دارد. قیمت‌ها را می‌بینیم که مدام در حال افزایش است. بحث درآمدها و رشد اقتصادی را می‌بینیم. اگر سیاست‌ها در این شاخص‌ها نمود پیدا نکنند نمی‌شود درباره مؤثر بودن سیاست‌ها صحبت کرد. مسئله مردم که نرخ رشد نقدینگی نیست. نرخ رشد نقدینگی را ما به دهان مردم انداختیم. مردم تورم را می‌بینند. حالا از هر جا که می‌خواهد ظاهر شود. برای مردم چه اهمیتی دارد نرخ رشد نقدینگی چقدر است. آنها تورم را نگاه می‌کنند.

❖ **در نرخ تورم چه سهمی می‌توانیم برای تورم انتظاری قائل شویم؟**

سال	عدد شاخص	نرخ تورم - درصد	سال	عدد شاخص	نرخ تورم - درصد
۱۳۷۳	۲/۴۵۶	۳۵/۲	۱۳۸۸	۲۹/۵۲۷	۱۰/۸
۱۳۷۴	۳/۶۶۵	۴۹/۴	۱۳۸۹	۳۳/۱۸۸	۱۲/۴
۱۳۷۵	۴/۵۲۰	۲۳/۲	۱۳۹۰	۴۰/۳۲۱	۲۱/۵
۱۳۷۶	۵/۲۹۸	۱۷/۳	۱۳۹۱	۵۲/۶۳۵	۳۰/۵
۱۳۷۷	۶/۲۵۸	۱۸/۱	۱۳۹۲	۷۰/۹۱۶	۳۴/۷
۱۳۷۸	۷/۵۱۶	۲۰/۱	۱۳۹۳	۸۱/۹۴۸	۱۵/۶
۱۳۷۹	۸/۴۶۳	۱۲/۶	۱۳۹۴	۹۱/۷۱۴	۱۱/۹
۱۳۸۰	۹/۴۲۷	۱۱/۴	۱۳۹۵	۱۰۰/۰۰۰	۹
۱۳۸۱	۱۰/۹۱۵	۱۵/۸	۱۳۹۶	۱۰۹/۶۵۰	۹/۶
۱۳۸۲	۱۲/۶۲۴	۱۵/۶	۱۳۹۷	۱۱۴۳/۸۴۲	۳۱/۲
۱۳۸۳	۱۴/۵۴۴	۱۵/۲	۱۳۹۸	۲۰۳/۱۵۰	۴۱/۲
۱۳۸۴	۱۶/۰۴۸	۱۰/۴	۱۳۹۹	۲۹۸/۸۵۸	۴۷/۱
۱۳۸۵	۱۷/۹۵۵	۱۱/۹	۱۴۰۰	۴۳۷/۰۴۲	۴۶/۲
۱۳۸۶	۲۱/۲۶۵	۱۸/۴	۱۴۰۱	۶۴۰/۲۲۵	۴۶/۵
۱۳۸۷	۲۶/۶۶۰	۲۵/۴	۱۴۰۲	۹۷۴/۷۵	۵۲/۳

عبدالناصر همتی: **کشور کسری بودجه سنگینی دارد. کسری بودجه و اضافه برداشت بانک‌ها به اقتصاد فشار می‌آورد. امروز نرخ بهره تامین مالی در بازار بالای ۴۰ درصد است.**

سال	ماه	پایه پولی	نقدینگی
۱۴۰۰	خرداد	۳۰/۷	۳۹/۴
	تیر	۴۲/۶	۳۹/۴
	مرداد	۴۲/۱	۳۹/۱
	شهریور	۳۹/۵	۴۰/۵
	مهر	۳۶/۴	۴۲/۸
	آبان	۳۵/۸	۴۲
	آذر	۳۷/۶	۴۱/۴
	دی	۳۵/۵	۳۹/۸
	بهمن	۳۳/۲	۳۹/۷
	اسفند	۳۱/۶	۳۹
	فروردین	۳۱/۵	۳۸/۲
	اردیبهشت	۳۰/۵	۳۷/۳
۱۴۰۱	خرداد	۲۷/۸	۳۷/۸
	تیر	۲۶/۲	۳۷/۴
	مرداد	۳۰/۳	۳۷/۸
	شهریور	۳۳/۱	۳۷/۵
	مهر	۳۴/۵	۳۴/۳
	آبان	۳۴/۶	۳۴/۵
	آذر	۳۶/۶	۳۳/۴
	دی	۳۸/۲	۳۴/۱
	بهمن	۳۹/۲	۳۲
	اسفند	۴۲/۴	۳۱/۱
	فروردین	۴۵	۳۳/۱
	اردیبهشت	۴۱/۱	۳۰/۹
۱۴۰۲	خرداد	۴۱/۸	۲۹
	تیر	۴۱/۱	۲۷/۵
	مرداد	۴۱/۶	۲۶/۹
	شهریور	۴۲	۲۶/۹
	مهر	۳۹/۶	۲۶/۴
	آبان	۳۸/۵	۲۶/۲
	آذر	۳۳/۵	۲۷
	دی	۳۱/۷	۲۵/۴
	بهمن	۲۹/۶	۲۷/۵

بوده است. آنچه مشخص است اینکه در سال ۱۴۰۲ به‌رغم کاهش رشد نقدینگی، رشد پایه پولی همچنان فزاینده بوده و به نوعی دولت در بازار پول به عنوان رقیب بخش خصوصی فعال بوده است. به این مفهوم که دولت همچنان کسری بودجه خود را داشته و این کسری را از منابعی که در بازار وجود داشته از محل فروش اوراق و... تامین کرده و آن نقدینگی که بخش خصوصی و تولید باید استفاده می‌کرد را خود دولت جذب کرده است. به هر حال باید منتظر ماند و دید نتیجه کاهش روند رشد نقدینگی در سال آتی چگونه خواهد شد.

❖ **یعنی سال ۱۴۰۴ باید منتظر تاثیر بر نرخ تورم باشیم؟**

نمی‌توانیم یک رابطه یک به یک بین تورم و نقدینگی داشته باشیم. نرخ تورم می‌تواند از جای دیگر هم افزایش پیدا کند. با این وجود به نظر می‌رسد سال بعد باید اثرات کاهش نقدینگی را دید. البته نرخ اعلامی بانک مرکزی به‌طور متوسط در یک سال ۵۲ درصد اعلام شده در حالی که این نرخ تورم در فروردین ۸۰ درصد بوده و تا اسفند به ۲۸ درصد رسیده است. از این رویک روند کاهش وجود داشته و اگر مشکلی پیش نیاید

فعلان خصوصی



کمیودی در عرضه شکر نداریم

هم‌اکنون کمیودی در عرضه برنج و شکر نداریم و تنها در حوزه قیمت باید نظارت دقیق در بازار صورت بگیرد. رضا کنگری، رئیس اتحادیه بانکداران مواد غذایی در گفت‌وگو با باشگاه خبرنگاران جوان، گفت: بنابر مصوبه وزارت جهاد کشاورزی نرخ هرکیلو شکر برای مصرف‌کننده نهایی باید ۲۸ هزار تومان باشد، در حالی که قیمت‌هایی که در سال جدید اعلام کردند، مایشان اعلام آمادگی نکردند. کنگری ادامه داد: براساس نرخ جدید هر کیلو شکر با نرخ ۲۵ هزار و ۵۰۰ تومان در اختیار مایشان و ۲۶ هزار و ۸۰۰ تومان به اتحادیه می‌دهند، اما به دلیل افزایش حقوق و دستمزد و هزینه‌های حمل عرضه شکر با نرخ ۲۸ هزار تومان به مصرف‌کننده نهایی صرفه اقتصادی ندارد. او افزود: بررسی‌ها نشان می‌دهد که قیمت هرکیلو شکر به ۴۰ هزار تومان رسیده است. گفتنی است اگر کالا یا نرخ مصوب در اختیار اصناف قرار بگیرد و آنها با قیمت آزاد در اختیار مصرف‌کننده قرار دهند، گرانفروشی کردند.

ادامه سر مقاله

گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس گزارش بسیار نگران‌کننده و تأثیرآوری است. این گزارش می‌گوید که «میزان مصرف کالری نیمی از جمعیت ایرانی‌ها در سال ۱۴۰۱ کمتر از حد استاندارد (یعنی ۲۱۰۰ کالری در روز) است. از سوی دیگر، همه دهک‌ها از میزان کالری خود نسبت به سال ۱۴۰۰ کم کرده‌اند. این کاهش کالری در دهک‌های متوسط شدیدتر بوده است.» به نظر شما آیا می‌شد از این گزارش عبور کرد؟ خوب وقتی افزایش حقوق‌ها حدود ۲۰ درصد و تورم مواد غذایی ۷۰ درصد باشد، نتیجه همین است.

گزارش تورم و کاهش کالری دریافتی، ناراحت‌کننده بود ولی گزارش بعدی مضحک است. نمایندگان راهیافته به مجلس از الان طلبکارند که ما پول هایمان را خرج انتخابات کرده‌ایم. رئیس عدالت‌طلب این مجموعه سیاه‌های از امکانات را ردیف کرده که به این افراد مستضعف بدهند. بهتر است به شکست‌خورده‌ها هم که هزینه زیادی کردند، پولی داده شود. واقعاً انتخابات در تراز اصولگرایی شده است.

گزارش آخر هم درباره فاجعه‌ای به نام توقف خودرو زنان و مردان و رانندگان تاکسی است. حتماً بخوانید. شاید هم نیازی به خواندن نیست، چون هر روز کسانی هستند که تجربه زیسته خود را در این مورد برای شما بگویند. ولی خواندنش این خوبی را دارد که بعدها نگویند چرا روزنامه‌ها در مردم رانمی‌نویسند.

از این شش موضوع بگذریم. وجه مشترک آنها یک مسئله است. جامعه‌ای با تولید روزانه مسئله، بدون راه‌حل عقلایی و اراده‌ای یا درکی برای حل آنها. مسائلی که به‌طور پیوسته روزانه و هفتگی ایجاد می‌شوند و هیچ‌کدام نیز حل نمی‌شوند. پرونده‌های مفتوحه که مخنومه نمی‌شوند چون اراده‌ای برای تفاهم و تحقق منافع مشترک شکل نمی‌گیرد. بستن قراردادهای بی‌حساب‌و‌کتاب از سوی آقایان تاریخی طولانی دارد. هنوز ایجاد خط مونوریل مرید اصولگرایان در تهران را فراموش نکرده‌ایم که چه هزینه سنگینی وارد کرد. پرتاب از این سر طیف سیاسی به آن سوی طیف نیز فیلمی تکراری است. توصیه به وحدت با کسانی که هر روز صبح دندان خود را برای جویدن گلوی دیگران تیز می‌کنند، نشانه تکرار نابخردی است. تورم هم‌زمان و پدیده ثابت نیم‌قرن اخیر ماست. کاهش بهره‌مندی از غذا و انرژی در کنار ادعاهای دهان‌پرکن مسئولان که چنین کردیم و چنان کردیم و باید سریال دستاوردها را بسازیم، خودش یک سریال تکراری است. ادعاهای عدالت‌خواهانه و افشای فساد دوستان‌شان در کنار پهن کردن سفره برای بهره‌مندی از خوان بی‌دریغ حکومت و بالاخره در تنگنا قرار دادن مردم بدون هیچ مجوز عقلی، شرعی و قانونی که جز افزایش نفرت و کینه و فساد نتیجه دیگری ندارد امری روزمره شده است. اینها فصل مشترک این موضوع هستند.

مسئولان در گفته‌هایشان بر غیر رسمی بودن قیمت‌ها و تورم‌های غیر واقعی و انتظاری بارها تأکید می‌کنند.

انتظارات قاعدتاً تأثیرات کوتاه‌مدت دارد. ممکن است اتفاقی بیفتد و شوکی وارد شود و برای مردم انتظاراتی شکل بگیرد اما مدتی که گذشت اثر آن اتفاق از بین می‌رود. ولی وقتی یک پدیده‌ای ادامه‌دار است نمی‌توان به انتظار تفسیر کرد. آنچه ما الان آموخته‌ایم و آن را انتظار می‌نامیم این است که فرآیند سیاست‌گذاری و کیفیت سیاست‌گذاری به‌گونه‌ای بوده که هر سال منتظر بدتر شدن شرایط هستیم. این را آموخته‌ایم که اگر امروز کالایی را خریداری کنیم صرفه بیشتری دارد تا اینکه سال بعد آن را بخریم. همه می‌دانیم که اگر ریال نگه داریم سال بعد زیان دیده‌ایم. این یک یادگیری است که طی سالیان متعددی شکل گرفته و همچنان این فرآیند در حال تداوم است. هیچ علامتی نیز داده نمی‌شود که این مسیر ممکن است تغییر کند. نه کیفیت سیاست‌گذاری را رو به بهبود می‌بینیم و نه رفتارهایی که در جامعه صورت می‌پذیرد متفاوت می‌شود. بنابراین دلیلی ندارد که افراد آموخته‌های خود را تغییر دهند.